



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

Volume 2, Issue 1, 2022

A Comparative Study of the Presence of Witnesses in the Execution of the Punishment of Stoning (In Shia and Sunni Jurisprudence)

Mohammad Pourtahmasb Picha¹, Behnam Ghanbarpour*², Mehdi Mohammadian Amiri³

1. PhD Student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
2. Assistant Professor, Islamic Jurisprudence and Law Department, Qaim Shahr Branch, Islamic Azad University, Qaim Shahr, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 159-168

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2206-4702

TELL: +989111153345

Email: behnamghanbarpor45@yahoo.com

Article history:

Received: 04 Nov 2021

Revised: 15 Jan 2022

Accepted: 17 Feb 2022

Published online: 21 Mar 2022

Keywords:

*Jurisprudential Opinions,
Stoning, Exceptional Fatwa.*

ABSTRACT

One of the famous punishments is stoning, which is used in some crimes. In proving this type of crime and executing the appropriate punishment, the testimony of witnesses and their presence in the execution stage is necessary. However, in addition to the testimony of the witnesses, the confession is also a proof of the crime. With this description, the special role of witness testimony is significant and has special importance. In our jurisprudential texts, a certificate is mentioned under the title of bineh. In the current research, which is theoretical and based on Islamic criminal jurisprudence and based on content analysis, the effect of witness testimony on the proof of crime and their presence at the stage of punishment is investigated. In this regard, there are various differences of opinion between Imamiyyah and popular jurists. In the current research, attention was paid to examining both views and each was analyzed. The result of the research: there is no requirement for the presence of the witnesses in the execution of the verdict and initiation of stoning, and this presence is only if they wish. At most, this presence will be voluntary.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Pourtahmasb Picha, M; Ghanbarpour, B & Mohammadian Amiri, M (2022). "A Comparative Study of the Presence of Witnesses in the Execution of the Punishment of Stoning (In Shia and Sunni Jurisprudence)". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(1): 159-168.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

بررسی تطبیقی حضور شهود در اجرای مجازات رجم (شیعه و اهل سنت)

محمد پورطهماسب پیچا^۱، بهنام قنبرپور^{۲*}، مهدی محمدیان امیری^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

از مجازات‌های مشهور رجم است که در برخی از جرایم به کار برده می‌شود. در اثبات این‌گونه از جرایم و اجرای مجازات شایسته آن، گواهی گواهان و حضور آنان در مرحله اجرا ضروری می‌باشد، هرچند علاوه بر گواهی گواهان، اقرار نیز اثباتگر جرم می‌باشد. با این وصف نقش خاص گواهی گواهان قابل توجه و دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. در متون فقهی ما از گواهی تحت عنوان بینه یاد شده است. در تحقیق حاضر که از نوع نظری و بر مبنای فقه جزایی اسلام و مبتنی بر تحلیل محتوا است، بررسی می‌گردید گواهی گواهان چه تأثیری بر اثبات جرم و حضور آنان در مرحله اجرای مجازات چگونه است. در این خصوص اختلاف نظرهای مختلفی میان فقهای امامیه و عامه وجود دارد. در پژوهش حاضر به بررسی هر دو دیدگاه توجه شد و هر کدام تحلیل گردید. نتیجه حاصله از تحقیق، الزام و وجوبی بر حضور گواهان در مجلس اجرای حکم و آغازگری آن‌ها به سنگسار وجود ندارد و این حضور تنها در صورت تمایل آن‌ها است. حداکثر آنکه این حضور به نحو استجابی خواهد بود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۹-۱۶۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۴۷۰۲-۲۲۰۶-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۱۵۳۳۴۵

ایمیل: behnamghanbarpor45@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

آرای فقهی، رجم، فتاوی‌اشاذ.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

درخصوص اجرای مجازات رجم در فرضی که زنا با شهادت شهود اثبات شده است، در حالت حضور شهود یا عدم حضور آنان در هنگام اجرای حکم قابل تأمل است. در ماده ۵۶ آیین‌نامه (نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین) مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۷ مصوب رییس قوه قضاییه چنین مقرر شده است: «حضور شهود هنگام اجرای حد رجم ضروری است، اما غیبت یا عدم اقدام آنان به زدن سنگ، موجب سقوط حد نیست.»

اختلاف نظر موجود، درواقع برآیند و متأثر از دیدگاه مطروحه نزد قدامت است؛ با عنایت به علت تشریح احکام و تأثیر متون شرعی در این خصوص می‌توان گفت: وجود اصل نظریه گواهی، در اثبات دعوا و ادله موجود درباره آن پذیرفته شده و از ادله غیر قابل انکار است. احکام و فروعی در این خصوص وجود دارد که لازم به بررسی و دقت نظر است. در این میان می‌توان دو مدل نظریه را اخذ نمود: اول نظریه مشهور؛ دوم نظریه غیرمشهور یا شاذ. منظور از نظریه مشهور نظریه‌ای است که بیشتر فقها آن نظریه را پذیرفته‌اند و یک درجه کمتر از نظریه اجماعی است، اما نظریه شاذ نظریه‌ای است در مقابل نظریه مشهور و تعداد کمی از علما نظریه‌ای را پذیرفته‌اند که مخالف با نظر مشهور علما می‌باشد. در موارد مختلفی ملاحظه شده قانون‌گذار ایرانی دیدگاه شاذ را پذیرفته و آن را به‌عنوان قانون قابل اجرا مطرح کرده است. همین مسأله و در مواردی نیاز جامعه و فاصله زمانی ما با دوره ائمه اطهار (ع) و راهگشایبودن بعضی از نظرات شاذ نگارندگان را بر آن داشت تا پیرامون یکی از موضوعات اختلاف‌برانگیز میان علما تحقیق کرده و علت پذیرش نظر شاذ را نزد قانون‌گذار کشف نماید و همین امر نیز می‌تواند فتح بابی برای سایر موضوعات چالش‌برانگیز بوده و شاید بتوان با استفاده از نظر شاذ موجود مشکل را حل نمود. پرسش آغازین در این تحقیق آن است: آیا حضور گواهانی که جرم زنا یا لواط یا مساحقه با گواهی آنان ثابت شد، در مرحله اجرای حکم الزامی است یا خیر؟ در این خصوص دو نظریه مطرح می‌باشد:

۱- حضور گواهان در هنگام اجرای حکم الزامی است، بدون حضور آنها نمی‌توان حکم را اجرا نمود؛ ۲- حضور گواهان در مجلس اجرای حکم ضروری نیست و بدون حضور آنان حکم اجرا می‌شود.

نگارندگان معتقدند حضور گواهان در هنگام اجرای حکم، نه موضوعیت دارد و نه سببیت، بلکه براساس عرف، عادت و مقبولیت نزد قبیله این کار صورت می‌گرفت، لذا نظر به عدم لزوم حضور گواهان در اجرای حکم (حد) و نه آغازکننده‌بودن آنها دارند.

۱- مفهوم‌شناسی موضوع تحقیق

در این تحقیق واژگانی مطرح می‌باشد که لازم است پیش از ورود به بحث مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

۱-۱- حدود و تعزیرات

منظور نگارندگان از واژه حد، در عبارت (باب حدود) همان معنای مصطلح فقهی آن است که در مقابل تعزیرات قرار دارد. فقها حدود را که جمع حد است این‌گونه تعریف نموده‌اند: هر آنچه برایش مجازاتی مشخص و متعین در نظر گرفته شود، حد نامیده می‌شود و مجازاتی که میزان مشخص در شرع نداشته باشد، تعزیر نامیده می‌شود (نجفی، ۱۴۲۱: ۲۵۴/۴۱). منظور از تعزیر در فقه بر کیفری اطلاق می‌شود که برخلاف حد، شارع مقدس، اندازه‌ای برای آن تعیین نکرده است (مجلسی، بی‌تا: ۱۰). موضوع گواهی گواهان در اثبات جرمی که مجازات آن حد است، مورد توجه می‌باشد.

۱-۲- گواهی

در عربی به گواهی، شهادت گفته می‌شود. وقتی کسی خبری را علیه کسی و به نفع فردی دیگر بیان نماید، به آن گواهی گفته می‌شود (جبعی عاملی، ۱۴۱۰: ۱۲۴/۳). یکی از ادله اثبات دعوا شناخته شده و در بند ۳ از ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی از اعداد ادله اثبات تعیین گردید.

۱-۳- اثبات دعوا

وقتی مدعی، علیه دیگری، ادعایی مطرح می‌کند، باید بتواند آن را در محکمه صالح به اثبات برساند، یعنی به کمک دلایل و اسناد، واقعی‌بودن آن ادعا را به منصف ظهور برساند (تبریزی،

وقوع زنا گواهی گواهان باشد، سنگسار را گواهان آغاز کرده و سپس امام و آنگاه حضار سنگ می‌زنند.^۱»

مرحوم شیخ طوسی از این روایت وجوب و لزوم را استنباط نکرده است، زیرا این روایت ضعف سند دارد. جدای از این به نظر می‌رسد: متن روایت روش عرفی را بیان کرده است. در عبارت، فعل (کان) آمده و می‌گوید: «اولین کسی که زنا کار را سنگسار می‌کند، امام بود»، یعنی می‌تواند کس دیگری هم باشد. حضار با رعایت احترام امام، صبر می‌کنند ابتدا امام سنگسار را آغاز نماید. از این رو وجوب استنباط نمی‌شود. از طرف دیگر وجوب نیاز به حکم مولوی دارد که از این روایت چنین استفاده‌ای نمی‌شود. جدای از این موضوع، آغاز سنگسار توسط امام و یا گواهان منوط به حضور آنان است. بنابراین اگر در جلسه اجرای حکم حاضر نباشند و یا حضار زودتر از آنان اقدام به پرتاب سنگ نمایند، خللی به موضوع وارد نمی‌شود (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۷۶/۵).

از میان فقهای اهل سنت امام ابوحنیفه و مالک قائل به شروع امام به سنگسار هستند. دلیل این امر را استحسان و روایتی از امام علی (ع) می‌دانند، البته آن‌ها بین اجرای حد میان سنگسار و جلد تفاوت قائل شدند، لذا این حکم را در مورد سنگسار جاری می‌دانند، اما در خصوص جلد قائل به این نظر نیستند. امام شافعی و ابن حنبل قائل به این موضوع نیستند و با این عقیده مخالفت کردند. علاوه بر دلیلی که به آن اشاره شد، دلایل دیگری نیز مطرح می‌باشد:

۲-۱-۱- روایت ماعز بن مالک

«محمد بن یعقوب، عن علی بن إبراهیم، عن ابیه، عن عمرو بن عثمان، عن الحسن بن خالد، قال: قلت لأبی الحسن (ع) أخبرنی عن المحصن إذا هو هرب من الحفیره هل یردّ حتی یقام علیه الحدّ؟... وذلك أنّ ماعز بن مالک أقرّ عند رسول الله (ص) بالزنا فأمر به أن یرجم، فهرب من الحفرة، فرماه الزبير بن العوام سباق

۱۳۸۷: ۵۲/۱)، لذا بینة یکی از امکاناتی است که طرفین دعوا برای اثبات حقانیت خود اعم از استحقاق یا دفاع آن را در محکمه مطرح می‌نمایند.

۲- بحث و تحقیق

باتوجه به پرسش تحقیق و نظر فقها در کتب فقهی‌شان، علمای امامیه و عامه در این خصوص دیدگاه‌هایی را مطرح کرده‌اند که در ادامه به ذکر آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱- دیدگاه عدم لزوم حضور شهود

یکی از آرایه‌هایی که بین فقهای امامیه مشاهده می‌شود، عدم حضور شهود در زمان اجرای مجازات رجم است. شیخ طوسی، از جمله موافقان این دیدگاه می‌باشد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۸). اطلاق عبارت وی نشان می‌دهد فرقی نمی‌کند عدم حضور شهود ناشی از چه امری باشد، مواردی از قبیل عدم حضور اختیاری یا قهری هر دو را شامل می‌شود. علامه حلی و شهید ثانی نیز با عباراتی مشابه، حضور شهود را در هنگام اجرای حکم رجم در فرضی لازم نمی‌دانند که رجم با شهادت آنان، ثابت شده باشد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۸۱/۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۲۹/۱۴). به همین نحو یکی از فقهای معاصر در این باره چنین می‌نگارد: «حضور شهود هنگام اقامه حد لازم نیست، بلکه اگر شهود بمیرند یا غایب باشند، حد جاری می‌شود» (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۴۶۹/۱).

لذا می‌توان گفت: این گروه از علمای امامیه معتقدند حضور گواهان در مرحله اجرای حکم لازم نیست. آن‌ها برای ادعای خود دو دلیل آورده‌اند:

۱- اصل بر برائت ذمه مکلف نسبت به کاری که برعهده او گذاشته نشده است، می‌باشد؛ ۲- وجوب حضور گواهان نیاز به دلیل دارد و در این خصوص دلیلی وجود ندارد (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۷۶/۵).

بعضی از علمای امامیه به استناد روایتی از امام صادق (ع) حضور گواهان را الزامی می‌دانند. امام صادق (ع) فرمود: «وقتی زناکار محصن به زنا اقرار کند، اولین کسی که سنگسار را اجرا می‌کند، امام است و سپس حاضران سنگ می‌زنند و وقتی بر

۱- «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ صَفْوَانَ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِذَا أَقْرَأَ الزَّانِي الْمُحْصَنُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ يَرْجُمُهُ الْإِمَامُ ثُمَّ النَّاسُ فَإِذَا قَامَتْ عَلَيْهِ الْبَيْتَةُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ يَرْجُمُهُ الْبَيْتَةُ ثُمَّ الْإِمَامُ ثُمَّ النَّاسُ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۸۴/۷). این روایت مرسل است، زیرا در سلسله روایت آن ابن فضال وجود دارد، لذا مرحوم فخرالمحققین از این روایت وجوب حضور گواهان را اخذ نمی‌کند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۴۸۹/۴).

بعیر فعمله فسقط فلقه الناس فقتلوه، ثم أخبروا رسول الله (ص) بذلك، فقال لهم: فهلاً تركتموه إذا هرب يذهب فإنما هو الذی أقرّ علی نفسه قال لهم: أما لو كان علی حاضرأ معكم لما ظلمتم^۱» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۹/۱۴).

از روایت استفاده می‌شود نه تنها در جریان رمی ماعز، امام (ع) ابتدا به رمی او نکرده، بلکه اصلاً هیچ‌کدام از پیامبر و امیرمؤمنان (ع) حاضر نبوده‌اند، در صورتی که اگر لزوم داشت امام (ع) آغازگر رمی باشد، چرا در این صحنه و واقعه حاضر نشد؟ بنابراین از عدم حضورشان کشف می‌کنیم این مطلب، وجوب و لزوم ندارد، بلکه جمع بین ادله اقتضای استحباب دارد (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۹۰: ۵۴۷/۱).

۲-۱-۲- معتبره ابی بصیر

«علی بن إبراهیم عن مُحَمَّد بن عیسی بن عبید عن یونس عن إسحاق بن عمّار عن ابی بصیر قال قال أبو عبد الله (ع) تُدْفَنُ المراه إلی وَسَطِهَا إِذَا أَرَادُوا أَنْ يَرْجُمُوهَا وَ يَرْمِي الْإِمَامُ ثُمَّ النَّاسُ بَعْدُ بِأَخْبَارِ صِعَارٍ^۲» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۷/۱۴). اطلاق معتبره بر عدم وجوب حضور شهود دلالت دارد. از طرف دیگر جمع بین ادله موجود، عدم لزوم تعیین آغازگر سنگسار یا شلاق است، بلکه تنها حکمی که از این روایت‌ها به دست می‌آید، استحباب آغاز مجازات توسط امام و یا شهود است (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۷: ۲۲۶).

نتیجه بحث: مسأله حاضر به بیان این مطلب می‌پردازد که آیا حضور شهود در مکان رجم لازم است؟ در پاسخ به این سؤال دو رأی در فقه امامیه وجود دارد؛ ظاهر مشهور وجوب حضور است و برخی از فحول قائل به عدم وجوب حضورند. با بررسی ادله دو قول و با وارد دانستن اشکالات رأی مشهور، در فرض شک در وجوب چنین امری، اصل عدم وجوب مجرا می‌یابد، اگرچه وجود دلیل خاص بر وجوب حضور موجود نیست.

۱- امام هفتم (ع) در نقل جریان رجم ماعز بن مالک فرمود: «زمانی که مردم او را برای رجم بردند ماعز فرار کرد، او را تعقیب و عقالش کرده و به قتل رسانیدند. هنگامی که جریان را برای رسول خدا (ص) تعریف کردند، آن حضرت فرمود: چرا پس از فرار او را رها نکردید و به تعقیب او پرداختید؟ آنگاه فرمود: اگر علی با شما در این جریان حاضر بود، چنین مطلبی پیش نمی‌آمد و ماعز کشته نمی‌شد.»

۲- امام صادق (ع) فرمودند: «برای اجرای سنگسار زن را تا میانه بدنش در خاک دفن می‌نمایند، آنگاه با سنگ کوچک امام آغازگر بوده و سپس حاضران اقدام به سنگسار می‌نمایند.»

۲-۲- دیدگاه وجوب حضور شهود (نظریه مشهور)

دیدگاه مشهور بین علما، وجوب حضور امام و شهود در مرحله اجرای حکم زنا یا لواط یا مساحقه است. این نظریه مقبولیت داشته و علمای ما این نظریه را پذیرفته‌اند. این دسته، دلیل وجوب حضور شهود را در مواردی مطرح کرده‌اند. صاحب جواهر در این باره می‌نویسد: «به نحو وجوبی گواهان آغازگر اجرای حکم سنگسار هستند.» این نظریه توسط بعضی از علمای ما تصریح شد، علاوه بر آن در کتاب «کشف اللثام» این نظریه را به اکثر علمای ما نسبت داده است. در کتاب خلاف و مبسوط نیز در خصوص این نظریه ادعای اجماع شده است. مستند این علما، روایت زراره است که ضعیف بوده^۳، ولی به دلیل شهرت فتوایی ضعف آن جبران شده است. در این روایت آمده است: «وقتی دلیل اثبات زنا گواهی گواهان باشد، کسانی که آغازگر اجرای سنگسار هستند، همان گواهان می‌باشند، سپس امام سنگ می‌زند و آنگاه حاضران» (نجفی، ۱۳۹۲: ۳۶۴/۴۱).

علاوه بر دیدگاه مطرح شده سایر عالمانی که قائل به نظریه وجوب شرکت امام و گواهان هستند، با توجیهاات خود این نظریه را پذیرفته‌اند. به بعضی از این نظرات اشاره خواهد شد:

۱- ابن جنید از علمای شیعه معتقد است: «اگر محکوم به زنا جرمش را با اقرار ثابت کرده باشد، والی (امام) در مجلس اجرای حکمش حاضر می‌شود و آغازگر سنگسار خواهد بود، اما اگر زنا می‌باشد او با گواهی گواهان باشد، آغازگر سنگسار گواهان خواهند بود» (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶: ۳۴۶).

۲- سلار دیلمی در المراسم می‌فرماید: «اگر اثبات زنا با شهادت باشد، آغاز حد رجم به وسیله شهود می‌باشد، سپس غیرشاهد و چنانچه زنا به اقرار ثابت گردد، رجم می‌شود از سوی امام به هرکس که امر بنماید» (سلار دیلمی، ۱۳۵۹: ۲۵۲).

۳- علامه حلی نیز در برخی آثار خود تصریح به صحت قول مشهور نموده است: «اگر گواهان به دلیل غیبت و یا مرگ نتوانند حضور پیدا کنند، در زمان اجرای حد حضور گواهان شرط نیست، اما اگر بتوانند حضور یابند، از آنجا که اثبات مجرمیت مجرمین با

۳- سند خبر مرسل است و در طریقه آن برخی بنی فضال واقع‌اند (علامه حلی، ۱۳۸۷: ۱۶۹/۹).

گواهی آن‌ها بوده، باید در مجلس اجرای حکم حاضر شده و آغازگر سنگسار باشند» (علامه حلی، ۱۳۸۷: ۳/۵۳۴).

۴- از علمای متأخر محقق حلی فرموده است: «در واقع حضور شهود نباید واجب باشد، اما چون باید زنا کار مجازات شود، حضور گواهان برای اجرای حکم لازم و الزامی باشد» (محقق حلی، ۱۹۸۳: ۴/۹۴۰).

۵- اگر اثبات زنا با گواهی گواهان باشد، بر گواهان واجب است در مرحله اجرای حکم زنا حضور داشته باشند. دلیل آن، همان گواهی است که داده‌اند. ما در این خصوص هم روایت داریم و هم اجماع علمای ما بر این موضوع محقق شده است، البته صرف حضور کفایت می‌کند و حتماً لازم نیست آن‌ها آغازکننده سنگسار باشند (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۰/۴۸۵).

در مجموع با نگاه به دلایل و فتاوی مطروحه نظریه مشهور علمای شیعه لزوم و وجوب حضور والی (امام) و گواهان در جلسه اجرای حکم زنا و لواط و مساحقه و آغاز اجرای حکم با پرتاب آن‌ها است.

۳- نظریه مختار

با نگاه به دو نظریه موجود نزد علما به نظر می‌رسد ه دو حکم مذکور باتوجه به وضعیت زمانی و مکانی صادر شده است، لذا حضور گواهان در مجلس اجرای حکم و آغاز مجازات با پرتاب سنگ توسط آن‌ها سببیت^۱ و موضوعیت^۲ ندارد. به نظر می‌رسد نظریه عدم وجوب و لزوم شرکت گواهان در مجلس اجرای حکم و آغازگری آن‌ها صحیح است. برای اثبات این نظریه دلایلی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱- لزوم تحمل شهادت و ارائه آن در دادگاه

خداوند می‌فرماید: «... اسْتَشْهِدُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٍ وَ امْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ

^۱- منظور از سبب بودن، یعنی این که چیزی به عنوان مصلحت هست که می‌تواند به عنوان علت به وجود آمدن آن امر در نظر گرفته شود، مثلاً سبب سوختن یک شیء، چیزی است. بررسی می‌کنیم می‌بینیم آن شیء آتش گرفته، پس سبب سوختن آتش است (مظفر، ۱۳۷۴: ۳/۳۹).

^۲- منظور از موضوعیت آن است که چیزی به عنوان دلیل قطعی و یقینی وجود دارد که می‌تواند آن حکم را ایجاد نماید، خواه مطابق با واقع باشد یا نباشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲/۲۵۳).

إِخْدَاهُمَا فَتُذَكَّرُ إِخْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَ لَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا...»^۳ (بقره/۲۸۲) در این آیه اشاره شده است برای معاملات مدت دار خود و به‌طور کلی برای تمامی مرادفات و مسائل خود جدای از نگارش قرارداد و گزارش، گواه بگیرید و وقتی طرفین جهت اثبات ادعای خود گواه خواست، آن گواهان حضور پیدا کرده و گواهی دهند. گواهان نیز امر شده‌اند در مجلس استماعی گواهی گواهان حضور پیدا کنند و آنچه تحمل شهادت کرده‌اند به سمع دادگاه برسانند (طباطبایی قمی، ۱۴۲۵: ۲۲۱)، اما در خصوص حضور گواهان در هنگام اجرای حکم محکمه سخنی نفرمود. به عبارتی لزوم در گرفتن گواهی و حضور گواه در جلسه دادرسی و استماع گواهی گواهان است و برای ادامه جریان دادرسی سکوت فرموده است، لذا با سکوت مواجه با عدم صدور حکم برای حضور گواهان در مجلس اجرای حکم خواهیم شد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲/۶۵۴).

اصولیون در جایی که مولی در مقام بیان باشد، اما نکته مشکوک را بیان نکرده باشد، آن نکته مشکوک نیز سابقه نداشته باشد، دوران نیز بین وجوب و استحباب و اباحه باشد و احتیاط نیز ممکن نباشد، حکم به برائت می‌نمایند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲/۱۱۶). مسأله مانحن‌فیه نیز به همین صورت است. ما یقین به اباحه اخذ گواه داریم و اگر گواه گرفتیم بر گواه لازم است تا در جلسه استماع گواهی حضور پیدا کرده و آنچه تحمل شهادت کرده است، بازگو نماید، اما در تسری این حکم در مجلس اجرای حکم با سکوت مولی مواجه هستیم. بر ما ثابت است مولی در مقام بیان است و می‌تواند در همین متن به لزوم حضور گواهان در مجلس اجرای حکم اشاره نماید، اما چنین حکمی را بیان نفرمود.

ممکن است اشکال شود، در روایت امام علی (ع) و امام صادق (ع) حکم شده است، در صورتی که زنا، لواز و مساحقه با گواهی گواهان ثابت شود، حضور گواهان و آغازگری بودن آن‌ها به انجام مجازات در جلسه اجرای حکم الزامی و واجب است.

^۳- میان مردان خودتان از کسانی که به آن‌ها رضایت دارید، دو مرد شاهد بگیرید و اگر پیدا نشد، یک مرد و دو زن را به‌عنوان گواه بیاورید، گواهان اگر دعوت به گواهی شدند، خودداری نکنند.

مانع از حضور گواهان در مجلس اجرای حکم و یا آغازکننده بودن آن‌ها در اجرای حکم باشیم.

۳-۳- قاعده درء المفسد اولی من جلب المصالح

در این قاعده می‌خوانیم اگر موضوعی باشد که می‌تواند مصلحت را ایجاد کند، اما در مواضعی همان موضوع باعث ورود مفسده می‌شود، برتر آن است که مفسده را از بین ببریم و از آن کار خودداری نماییم. در این خصوص مثال زده‌اند: پوشش و رو به قبله‌بودن و طهارت از موارد مهم در نماز هستند و بدون آن‌ها نمی‌توان نماز خواند، حال اگر این موارد باعث به‌وجود آمدن مفسده باشد، از فعلیت افتاده و الزام و یا وجوب آن ساقط می‌گردد (حکیم، ۱۴۲۹: ۱۴۰). در موضوع مانحن‌فیه این قاعده جاری است. در موارد بسیاری در زمان ما مثل وجود مفسده، حفظ جان، حریم خصوصی، احتمال انتقام و مانند آن برای گواهانی که گواهی داده‌اند و آن‌هایی که در جلسه اجرای حکم اقدام به زدن سنگ نموده‌اند، وجود دارد که در تزامم با حضور در جلسه اجرای حکم و شروع به سنگسار قرار می‌گیرد، از آنجا که حفظ جان مقدم بر انجام یک حکم عقلی و مبتنی بر زمان و مکان است، لذا برای جلب مصالح و درء مفسد، نیازی به حضور گواهان و آغازکنندگی آن‌ها به سنگسار نیست و این حکم ساقط می‌گردد.

۳-۴- قاعده یختار اهون الشرین

در این قاعده می‌خوانیم، اگر دو موضوع دارای شر وجود داشته باشد که هر کدام ضرری را به شخص یا اشخاصی وارد می‌نماید، آن شری که ضرر کمتر دارد، اختیار می‌گردد (تاجمیری، ۱۳۷۷: ۲۷۶). در این خصوص مثال زده‌اند: اگر شاخ و برگ درختان باغ آنقدر بزرگ شوند که به همسایگان و یا عبورکنندگان از کنار باغ ضرر وارد می‌کند، بر صاحب باغ است که آن شاخ و برگ را قطع کرده و یا خود درخت را قطع نماید. در اینجا دو ضرر وجود دارد: ضرر برای صاحب باغ که درختش قطع یا ناقص می‌گردد و ضرر همسایگان و عبورکنندگان، در ایجا ضرر صاحب باغ کمتر از ضرر سایرین است، لذا حکم به قطع شاخ و برگ یا خود درخت می‌گردد (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۴۷/۱). به عبارت دیگر می‌توان گفت: هرگاه

در پاسخ، همان‌طور که در مطالب گذشته بیان شد، این روایت‌ها نشان از رویه آن روزگار داشته و حضور گواهان و آغازگری آن‌ها در اجرای حکم مقبولیت عقلی داشته است، اما در روزگار ما که اجرای احکام توسط سازمان قضایی کشور انجام شده و حفظ حریم خصوصی افراد و شهروندان در اولویت کار دستگاه قضا است، لذا الزامی به حضور گواهان و آغازگری آن‌ها به سنگسار دیده نمی‌شود.

۳-۲- حکم به عدم اضرار به گواهان

خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «... لا یضار کاتبٌ ولا شهیدٌ و إن تفعّلوا فإنّه فُسوقٌ بکم و اتقوا الله و یعلمکم الله و الله بکلّ شیءٍ علیمٌ» (بقره/۲۸۲) در این بخش از آیه به‌طور مطلق می‌فرماید به نویسنده متن قرارداد و گواه ضرر وارد نکنید^۱، اگر ضرر وارد کنید، عملی فاسقانه است، پس تقوای الهی نمایید و خداوند به هر کاری که انجام دهید، آگاه است (قطب راوندی، ۱۴۰۵: ۴۰۷/۱). اگر درست دقت شود، آیه مزبور شأن انسانی را مطرح نموده و از وارد ساختن ضرر جلوگیری می‌نماید. می‌فرماید به نویسنده سند و گواه نباید ضرری رسد، به اصطلاح با مفهوم موافق می‌گوید هیچ‌گونه ضرری از یکی به دیگری نباید جائر شمرده شود، زیرا وسیله‌بودن به ضرر اهمیت طبیعی کمتر از سبب حقیقی ضرر می‌باشد. به‌طور کلی همه آیاتی که از ضرر رساندن به دیگران نهی می‌نمایند، جدای از آنکه مسائل دوران نزول را در نظر دارد، هرگونه ضرر رساندن را ممنوع می‌نمایند (جعفری تبریزی ۱۳۶۰: ۱۲۵). در موضوع مانحن‌فیه آوردن گواهان در هنگام اجرای حکم و آغازگری آن‌ها به اجرا، ممکن است برای آن‌ها ضرر داشته باشد. برای مثال خانواده و یا دوستان کسی که مجازات شده به دنبال انتقام باشد و یا خود محکوم‌علیه به دنبال انتقام باشد. از طرفی حفظ حریم خصوصی و مخفی‌بودن گواهی گواهان و به‌طور کلی حفظ جان و آبرو موجب می‌شود که

^۱ - نباید به نویسنده و گواه زبانی برسد که اگر چنین کنید از فرمان پروردگار عدول کرده‌اید. از خدا بترسید، خدا به شما آموزش می‌دهد و بر هر چیز داناست.

^۲ - بعضی از علمای ما وجه دیگری را مطرح کرده‌اند و فرمودند: «ممکن است آیه خطاب به کاتب و شاهد باشد که در نگارش قرارداد و گواهی‌دادن به طرفین قرارداد و مشهودله ضرر وارد نکنند و آنچه واقع امر است، بنویسند و گواهی نمایند» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۶۸).

وَاجِدٍ مِنْهُمَا مِائَةٌ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَيْشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ^۱» (نور/۲). در این آیه با دو قید، ایمان به خدا و اعتقاد به روز قیامت، تأکید فرمود عده‌ای از مؤمنین در مجلس اجرای حکم مرد و زن زناکار حضور پیدا کنند.

با نگاه به حکم عام آیه، حضور گواهان در مجلس اجرای حکم مانند سایرین پذیرفته می‌شود، اما از باب در مقام بیان بودن شارع در متن مورد ادعا، ملاحظه می‌کنیم خصوص حضور گواهان به شکل اختصاصی سخنی به میان نیامد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، اگر گواهان حضور پیدا نکنند اشکالی برای اجرای حکم ایجاد نمی‌شود. از طرفی برای آغاز به اجرای حکم نیز ضرورت حضور گواهان ملاحظه نمی‌شود، زیرا اگر این حضور مدخلیتی داشت، بی‌شک باید در آیه به آن اشاره می‌شد.

ممکن است گفته شود: بیان در خصوص این حضور و ضرورت آن، لازم نیست تنها در قرآن به آن اشاره شود، همین که در روایت به آن اشاره شد، کافی است. همانند بسیاری از امور که در قرآن به آن اشاره نشده و ما عمل آن را از متن روایات به دست آورده‌ایم. در پاسخ می‌توان گفت: در قرآن باید کلیات موضوعات بیان شده باشد، ملاحظه می‌کنیم قرآن به نحوه اثبات جرم و هر نوع از خطایا و گناهان به وسیله اقرار و گواهی گواهان اشاره فرمود. مانند:

۱- «وَ لَا جَاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَافِرُونَ^۲» (نور/۱۳).

۲- «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ^۳» (آل عمران/۸۱).

دو مفسده با هم تعارض^۱ کنند، با ارتکاب آنچه زیانش کمتر است، می‌توان از عملی شدن آنچه زیانش بیشتر است، جلوگیری کرد (حکیم، ۱۴۲۹: ۱۴۱). بی‌تردید درجایی که می‌دانیم حضور گواهان در مجلس اجرای حکم و آغازگری آن‌ها به اجرای مجازات و حفظ حریم خصوصی آن‌ها تعارض وجود دارد. هر کدام که کنار گذاشته شوند، ضرری وجود دارد، بنابراین چاره‌ای نیست آنچه ضرر کمتری نسبت به دیگری دارد، به اجرا درمی‌آید.

در موضوع مانحن‌فیه در واقع دو شر وجود دارد: یکی وجود ضرر برای گواهان به دلیل تهدید و امکان انتقام از طرف متضررین و از طرفی ضرر عدم حضور گواهان در مجلس اجرای حکم و آغاز سنگسار توسط آن‌ها؛ شر دوم از نظر مقرر ضرر، از ضرر کمتری برخوردار است و می‌توان آن را ساقط نمود.

۳-۵- بنای عقلا

عقلای عالم در هر دوره‌ای از زندگی متناسب با وضعیت آن دوره به وضع احکام و دستورات پرداخته و با حفظ واجبات و محرمات اولیه، برای زندگی بشر به وضع قوانین می‌پردازند. بسیاری از روایات با حکم خاص منبعث از زمان و مکان وضع شده‌اند. موضوع حضور امام و شهود در مرحله اجرای حکم از اموری بود که در گذشته وجود داشت و مقبولیت اجرا در زمان خود را داشت، اما از زمانی که قانون نوشته و به‌ویژه دستگاه قضا با تشکیلات مختلف خود به‌وجود آمد، در هر دادگاه حقوقی و کیفری، اجرای احکام به‌وجود آمد و آن‌ها به اجرای حکم می‌پردازند. در موارد خاص مانند قصاص نفس و یا عضو حضور ولی دم و مجنی‌علیه در هنگام اجرای حکم آزاد است و اگر خواستند می‌توانند حضور پیدا کنند، اما در خصوص اجرای حکم زنا و لواط و مساحقه تأکید قرآن به حضور مؤمنین برای مشاهده مجازات است که علت موضوع برای تنویر، بازدارندگی در جامعه است. «الرَّائِيهِ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ

^۱ - هر زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، هرگز در دین خدا به آنان رأفت نکنید و باید گروهی از مؤمنان شاهد مجازاتشان باشند.

^۲ - چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟ و چون گواه نیاورده‌اند پس در پیشگاه خدا دروغ‌گویند.

^۳ - چون خدا از پیامبران پیمان گرفت که پس از آن که کتاب و فرزاندگی به شما دادم و نگاه پیامبری آمد که موافق و مؤید کتاب شما بود، به او ایمان آورید و

^۱ - تعارض میان دو دلیل وقتی که میان آن دو دلیل نسبت عام و خاص من‌وجه باشد، فقط وقتی حاصل می‌شود که هریک از دو دلیل، به دلالت التزامی بر نفی حکم دیگری در مورد اجتماع آن‌ها دلالت نماید که در این صورت آن دو از این جهت یکدیگر را تکذیب می‌نمایند، ولی اگر این دو عام من‌وجه، چنین دلالت التزامیه‌ای نداشته باشند، تعارضی بین آن دو نخواهد بود، چون در مقام جعل و تشریح دروغی بین آن‌ها وجود ندارد (مظفر، ۱۳۷۴: ۳۲۱/۱).

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، همه نویسندگان سهم برابر در نگارش داشتند.

تشکر و قدردانی: از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله، راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید.

- ابن جنید اسکافی، محمد (۱۴۱۶). مجموعه فتاویٰ ابن الجنید. گردآورنده علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

- تاجمیری، امیر تیمور (۱۳۷۷). فرهنگ عبارات و اشارات حقوقی. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آفرینه.

- تبریزی، جواد (۱۳۸۷). تنقیح مبانی الاحکام. چاپ سوم، قم: دارالصدیقه الشهیده.

- حسینی مراغی، عبدالفتاح (۱۴۱۷). العناوین الفقہیہ. چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- حکیم، محمد تقی (۱۴۲۹). القواعد العامه فی الفقه المقارن. تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامی.

- طباطبایی قمی، تقی (۱۴۲۵). هدایه الاعلام الی مدارک شرائع الاسلام. قم: نشر محلاتی.

- طوسی، محمد (۱۴۰۷). الخلاف. قم: ناشر مؤسسه النشر الإسلامی.

- علامه حلی، جمال الدین (۱۴۱۰). ارشاد الالذهان الی احکام الایمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

از این رو اگر حضور گواهان و آغازگری آن‌ها در اجرای حکم مدخلیتی داشت و یا در آن الزامی وجود داشت، به صورت خاص در متن قرآن به آن اشاره می‌شد تا الزام و وجوب آن کشف شود. همان‌طور که در جای خود ثابت شد، بسیاری از روایات براساس عنصر زمان و مکان به دوره خود مربوط بوده و می‌تواند در دوره‌های بعد تغییر یابد^۱ (قضیه فی الواقعه). عقلای مسلمین باتوجه به این داده‌ها، کشف می‌کنند حضور گواهان برای اجرای حکم الزامی نیست، حتی در زمان ما به هیچ‌عنوان نیازی به حضور آن‌ها در مرحله اجرای حکم نیست.

نتیجه‌گیری

مستندات دیدگاه عدم لزوم حضور شهود، اصلی است که مقصود از آن اصل برائت ذمه شهود و اصل عدم سقوط حد است در کنار عدم دلیل شرعی معتبر، قاعده سببیت، اطلاق ادله اقامه مجازات‌های حدی و اجماع می‌باشد. با بررسی دیدگاه‌ها این نتیجه را می‌توان بیان کرد که در صورتی که حد با شهادت شهود ثابت شده باشد، حضور شهود لازم نیست، ولیکن عدم حضور شهود نباید به خاطر فرار از صحنه اجرای مجازات یا ترس از اجرا باشد. در چنین فرضی، به دلیل عروض شبهه، حد ساقط می‌شود؛ به بیان دیگر عدم حضور شهود، مانعی برای اجرای حد نیست، بلکه آنچه مانع است، شبهه حاصل از عدم حضور آنان در فرضی که حاضر به حضور نشوند یا حاضر شوند و سنگ نزنند یا این که عدم حضور به خاطر فرار و ترس باشد.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام‌شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

یارش کنید، (سپس) فرمود: «آیا اقرار دارید و پیمان مرا پذیرفتید؟» گفتند: «اقرار داریم.» فرمود: «گواه باشید من هم با شما گواهم.»

^۱- هرگاه در واقع‌ای خاص، حکمی خاص و جزئی وارد شود، به‌گونه‌ای که نسبت به رخداد‌های مشابه آن، شمول و عمومیتی نداشته باشد، در اصطلاح گفته می‌شود: «قضیه فی واقع»، یعنی این حکم به اقتضای این واقع‌ه صادر شده است و اختصاص به آن دارد. از این رو، حکم کلی از آن به‌دست نمی‌آید (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۶۵۲/۶).

- علامه حلی، جمال‌الدین (۱۴۱۲). *تلخیص المرام فی معرفه الاحکام*. قم: ناشر انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- علامه حلی، جمال‌الدین (۱۴۱۳). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۹۰). *آیین کیفری اسلام*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۷). *تفصیل الشریعه (الحدود)*. قم: مرکز فقهی ائمه الطهار.
- فاضل هندی، محمد (۱۴۱۶). *کشف اللثام عن قواعد الأحکام*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- فخرالمحققین، محمد (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*. قم: اسماعیلیان.
- قطب راوندی، سعید (۱۴۰۵). *فقه القرآن*. چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- کلینی، محمد (۱۴۲۹). *الکافی*. قم: دار الحدیث.
- کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۲). *تحریر المجله*. قم: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامی.
- گلپایگانی، سیدمحمدرضا (بی تا). *الدر المنضود فی احکام الحدود*. قم: دارالقرآن الکریم.
- مجلسی، محمدباقر (بی تا). *حدود، قصاص و دیات*. ترجمه علی فاضل، قم: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین (۱۹۸۳). *شرایع الاسلام*. چاپ دوم، بیروت: انتشارات دارالاضواء.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۴). *اصول الفقه*. چاپ هفتم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸). *انوار الاصول*. چاپ دوم، قم: مؤسسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۵). *بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر*. چاپ سوم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱). *جواهر الکلام*. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل البيت عليهم السلام.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).